

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۳

بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی «اخلاق شفایی»

(ص ۸۰-۵۷)

علی محمد پشت دار (نویسنده مسئول)^۱، حمید رضا نان آور^۲

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

چکیده:

«اخلاق شفایی» معروف به اخلاق «شاهی» نوشته مظفر حسینی (حسینی) طبیب کاشانی متخلص به شفایی یکی از آثار اخلاقی قرن دهم است که نویسنده در آن به اخلاق و آداب و فضایل صفات، با شواهدی از آیات و روایات ناب و حکایات نادری پرداخته است. این رساله شامل دو مقاله است. مقاله اول شامل ۲۱ باب در اخلاق حسنه و مقاله دوم شامل ۱۷ باب در اخلاق ذمیمه میباشد. آنچنانکه از فهرست واره کتابهای فارسی احمد منزوی بر میآید در کشور ایران از این اثر پنج نسخه موجود است که در متن مقاله بطور جداگانه معرفی شده‌اند. هدف اصلی این پژوهش آنست که به روش «تحلیل محتوا» ضمن تأمل مختصات سبکی اثر، شگردهای بیانی و ادبی آن، بررسی شود و در پایان به سوال اصلی پژوهش یعنی «به چگونگی سبک ادبی و شیوه های ویژه نثر شفایی کاشانی در این اثر پاسخ داده شود» پاسخ داده شود. «اخلاق شفایی» نثری است به نظم آمیخته شده، که در اکثر مواقع جز دیباچه کتاب که نثری بینابین دارد از نثری سهل و ممتنع برخوردار بوده و خط مشی آن همچون گلستان سعدی موعظه، حکمت، اخلاق، علم، و عمل است. در پایان یاد آور میشویم که اخلاق شاهی از متون روایی محسوب شده که حکایات آن شامل درونمایه اخلاقی تهذیب و تزکیه نفس است، این کتاب در نهایت به شاه طهماسب صفوی حسینی تقدیم شده و بیشتر روی سخن او با حاکمان و صاحبان دولت است.

کلمات کلیدی: بررسی محتوایی، نسخه خطی، اخلاق شفایی، شفایی کاشانی، ویژگیهای ادبی و سبکی.

am.poshtdar@gmail.com

h.nanavar@yahoo.com

^۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

^۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقدمه:

یکی از موضوعات نثر فارسی در طول تاریخ هزار ساله فارسی دری سیاست و اخلاق است. (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ۳۳۶) مجموعه این آثار تحت عنوان ادبیات تعلیمی یک نوع ادبی است که گاه ساختار روایی دارد و گاه به صورت نظری و غیر روایی ارائه شده است. از نوع روایی، شاخص‌ترین گلستان سعدی است و از نوع نظری، اخلاق ناصری تألیف خواجه نصیر طوسی شهرت دارد. (همان: ۳۳۷) شفایی کاشانی کتاب اخلاق خود را به سبک گلستان سعدی و به تأسی از وی به رشته تحریر در آورده است و در بیان ردایل و فضائل اخلاقی در این اثر موفق بوده است.

ضرورت انجام تحقیق

نسخه اخلاق شفایی از جمله گنجینه‌های نثر اخلاقی است که تا کنون با وجود تعدد نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های معتبر ایران تصحیح انتقادی نشده است. لذا در سال ۱۳۹۳ به همت اینجانبان تصحیح انتقادی گردید.^۳ با احیای این اثر علاوه بر معرفی اثری ارزشمند میتوان شناخت بیشتری از ویژگیهای ادبی نثر کتب اخلاقی در قرن دهم یافت. این اثر از جمله نسخ خطی است که تصحیح و تدوین آن جهت نشر افکار و آراء نویسنده و معرفی اثری ارزشمند در زمینه اخلاق و ادب تعلیمی فارسی به جامعه علمی کشور ضروری به نظر میرسد.

پیشینه تحقیق:

نگارندگان با جستجوی در بانکهای اطلاعاتی و کسب اطلاع از استادان دریافتند که از اخلاق شفایی پنج نسخه در کتابخانه‌های موجود است که از سوی نسخه پژوهان هیچ اقدامی برای معرفی و تصحیح انتقادی آنها صورت نگرفته بود. بنابراین پس از تهیه نسخه‌ها، مقابله و تصحیح انجام شد و بنابه شیوه رایج «اعتبار سنجی نسخه‌ها، تاریخ کتابت و نگارش نسخه‌ها، شناسایی و معرفی مولف اثر و در نهایت تحلیل انتقادی و فهم تاریخی سبک دوره اثر» (نظریه ادبیات، رنه ولک، فصل ششم: ۵۳-۶۷) صورت گرفت. مقاله حاضر حاصل پژوهش فوق‌الذکر است که برای نخستین بار به علاقمندان عرضه میشود. یادآوری میشود در تاریخ ادبیات صفا جلد ۵ در بخش نثر اخلاقی دوره صفویه از این کتاب و مولف آن بطور گذرا مطالبی آمده است که در متن مقاله ذکر شده است.

در این مقاله با بررسی متن این کتاب و ویژگیهای نسخ موجود به بیان ابعاد محتوایی و سبکی آن پرداخته میشود. این رساله شامل دو مقاله است. مقاله اول شامل ۲۱ باب در اخلاق حسنه (فضایل) و مقاله دوم شامل ۱۷ باب در اخلاق ذمیمه (ردایل) میباشد.

شیوه تحقیق:

۳. اخلاق شفایی (شاهی)، حکیم شفایی کاشانی، تصحیح انتقادی نان آور، حمید رضا، پشت دار، علی محمد، چ اول،

تهران: همای دانش، ۱۳۹۳

نظر به موضوع تصحیح انتقادی، روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتواست که پس از مقابله و ارزیابی نسخه‌ها ویژگی‌های رسم الخطی، زبانی (دستوری، آوایی)، ادبی و محور فکری و محتوایی نقد و بررسی شده است و به سوال اصلی تحقیق پاسخ داده شده است.

معرفی شفایی کاشانی

سید مظفر بن محمد حسنی طبیب کاشانی متخلص به شفایی از علماء، ادبا و دانشمندان قرن دهم و در دوران حکومت شاه طهماسب صفوی است. وی از شهر کاشان بوده و در آنجا طبابت میکرد. وی در کنار کار طبابت در خلق آثار ادبی هم فعالیت میکرد است. مسئله دیگر تاریخ تولد شفایی کاشانی است که هیچ اطلاعی از تاریخ تولد وی در دست نیست و در هیچ منبعی ذکری از آن نرفته است. درباره نام وی، تاریخ وفات و آثار به جای مانده از او اختلافاتی وجود دارد و در بعضی منابع به علت شباهت اسمی که با هم عسراں خود داشته است، این اختلافات شایع است. نام اصلی وی همچنان که گفته شد سید مظفر حسنی طبیب کاشانی متخلص به شفایی است که در دیباچه «اخلاق شاهی» و دیگر اثرش «خلاصه شفایی» نویسنده خود را به همین نام معرفی میکند. در تذکره روز روشن، تاریخ نظم و نثر در ایران و بزرگان کاشان افشین عاطفی سال «۹۳۰ ه.ق» تاریخ وفات وی تلقی شده است. اما در الذریعه (ج ۱۷)، تاریخ ادبیات ایران (ج ۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگده ادبیات، فهرست واره کتابهای فارسی احمد منزوی تاریخ وفات شفایی کاشانی «۹۶۳ ه.ق» است.

حکیم شفایی در تذکره‌ها و آثار متأخرین

«طبیعی، میر مظفر کاشی از حدّاق اطبّا بود که در سنّه ثلاثین و تسعمائه (۹۳۰) ملک الموت دست به معالجه مرض الموت وی گشود.

آمد رقیب و طرّه جانان من گرفت
گویا اجل رسید و رگ جان من گرفت»
(تذکره روز روشن، رکن زاده آدمیت: ۴۹۹)

«میر مظفر طبیب، از شهر کاشان است و به طبابت مشغول بود و در آن علم وسایل دارد و در حکمت نیز رساله ای نوشته موسوم به اخلاق شاهی و دیوان غزل هم دارد این مطلع از اوست.

ما نقد عمر صرف ره یار کرده ایم
حاصل ز عمر خویش همین کار کره ایم»
(تحفه سامی، سام میرزا صفوی: ۳۹)

«امیر سید مظفر طبیب، از شهر کاشان است و به طبابت مشغول و در آن علم رسائل پرداخته و در حکمت عملی نیز رساله ای نوشته موسوم به اخلاق هاشمی و دیوان غزل هم دارد. این مطلع از اوست:

ما نقد عمر صرف ره یار کرده ایم
حاصل به عمر خویش همین کار کرده ایم»

(همان: همایون فرّخ، صحیفهٔ دوّم: ۶۲)، (منتخب الطایف، ایمان، رحم علی خان: ۳۶۲). معلوم نیست که چرا همایون فرخ از نام اخلاق هاشمی به جای اخلاق شاهی استفاده کرده است. به نظر میرسد با توجه به اینکه در هیچ تذکره یا منبعی از نام اخلاق هاشمی استفاده نشده در چاپ همایون فرّخ به اشتباه نام رسالهٔ اخلاق شاهی، اخلاق هاشمی آمده است.

« سید مظفر بن محمد الحسینی معروف به شفایی که او جدّ سادات و معروف هستند در کاشان به لاجوردین » (الذّریعه الی تصانیف شیعه، طهرانی، ج ۸: ۱۶۱). و نیز در منبع فوق آمده است: « خلاف قول صاحب ریاض العلماء می گویم احتمال اینکه شفایی اصفهانی صاحب کتاب قرابادین باشد وجهی ندارد چون قرابادین شفایی برای سید مظفر بن محمد الحسینی شفایی کاشانی است که استخراج معدن لاجورد می کرد در بعضی از کوههای یک فرسخی قمصر کاشان، پس سلطان معدن را به او بخشید و بعد از او برای خانوادهٔ او معروف به سادات لاجوردی شد » (همان، ج ۹: ۵۳۰). بنا به قول طهرانی در تذکرهٔ الذّریعه سال وفات شفایی کاشانی « ۹۶۳ ه.ق » میباشد (همان، ج ۱۷: ۶۱).

این شفایی غیر از آن شفایی است که به حکیم شرف الدّین حسن اصفهانی شناخته شده و معروف است به شفایی، در گذشتهٔ « ۱۰۳۷ » میباشد (همان، ج ۸: ۱۶۱). صاحب این منبع اضافه میکند: « رسالهٔ اخلاق شاهی برای مولی محمد کاشی طبیب شاعر ملقب در شعرش به محمد، نسخه ای فارسی که آنچه در قم نزد سید شهاب الدّین میباشد اولش ناقص است ». منظور از سید شهاب الدّین، آیت الله سید شهاب الدّین مرعشی نجفی میباشد (همان، ج ۱۱: ۴۴).

محمد بن عبد الوهاب قزوینی در صفحهٔ الحاقی رسالهٔ اخلاق شاهی نسخهٔ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران چنین آورده: « اخلاق شفایی، کتابی است تألیف مظفر بن محمد حسینی کاشانی طبیب شاعر متخلّص به شفایی متوفی به سنهٔ ۹۶۳ ه.ق است. همچنان که معاصرش تقی الدّین کاشانی که او را در تذکره اش به نقل از ریو آورده (۴۷۴: ۲)، و این شفایی به جزآن شفایی متأخر معاصر شاه عباس اول است که در سال ۱۰۳۷ وفات کرده همچنان که صاحب عالم آرای عباسی از او به نیکی یاد کرد و این آخری نیز پزشک و شاعری هجوگو و بد زبان و اهل اصفهان بود. ریو بدون ذکر منابعی گفت که نامش شرف الدّین حسن بوده است همچنان که صاحب مجمع الفصحاء که شاید منبع ریو او باشد. پوشیده نماند ضعف گفته های صاحب مجمع الفصحاء و مستندات و عدم ثبت آنها و فراوانی ریزش در آن که بر گفته های متعدّد او هرگز نمی توان اعتماد کرد ». « میر مظفر طبیبی کاشانی، وی نیز پزشک بوده و غزل میسروده و در ۹۳۰ در گذشته است. » (تاریخ نظم و نثر، نفیسی، ج ۲: ۶۸۵).

مؤلف تاریخ ادبیات در ایران چنین گفته است: « کتاب اخلاق شفایی، تألیف مظفر بن محمد حسینی شفایی کاشانی اصفهانی « م ۹۶۳ ه » که به شاه طهماسب صفوی تقدیم گردیده در زمرهٔ

کتابهایی است که به شیوه متداول زمان نوشته شده است» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵، بخش ۳: ۱۴۸۶).

یادآوری: در فرهنگ سخنوران شاعر تحت عنوان دو نفر: طبیبی کاشی (میر مظفر طبیب، ۹۳۰) و مظفر کاشانی (میر مظفر طبیب - دهم) آمده است. عاطفی نیز در بزرگان کاشان از عنوان طبیبی (وفات ۹۳۰ ه.ق) استفاده کرده است. (بزرگان کاشان، عاطفی: ۱۳۳).

در مجله پژوهش و حوزه آمده است: «در آغاز قرن دهم و پس از آن، علم پزشکی رونق پیشین خود را از دست میدهد اما آثاری نیز در این به چشم میخورد. همچنین از پزشکان معروف این قرن مظفر بن محمد شفایی کاشانی معروف به حکیم شفایی میباشد که چند کتاب در پزشکی و دارو شناسی دارد از جمله: طب شفایی یا قرابادین شفایی» (پزشکی در تمدن اسلامی، شریف حسینی، شماره ۱۷ و ۱۸: ۹۴، ۹۵).

آثار شفایی

از شفایی کاشانی پنج اثر در دست است، یکی کتابی است با نام خلاصه شفایی فی الطب: این مجلد که موسوم شده به خلاصه شفایی بنا بر آنچه خود او در دیباچه آن آورده «مبتنی بر دو کتاب است. کتاب اول مشتمل بر سه مطلب: مطلب اول در حفظ صحت، مطلب ثانی در علاج مرض به قول کلی، مطلب ثالث در ادویه مفرده. و کتاب ثانی مشتمل بر سه فن. فن اول در امراض مختصه، فن ثانی در امراض غیر مختصه، فن ثالث در ادویه مرکبه.»

این کتاب با حمد بی نهایت و ثنای خدای دانا حکیم و صلوات و صلوات بر محمد (ص) و امام علی (ع) آغاز شده، و بعد اعتراف به عجز و قصور خود میکند: «فقیر حقیر قلیل البضاعه متعرف به عجز و جهالت مظفر بن محمد الحسنی الشفایی الکاشانی». در ادامه شفایی خود درباره علل جمع آوری این کتاب میگوید: «کثرت اشتیاق به مطالعه مؤلفات و مصنفات حکماء قدما و اطباء متأخرین و عدم اقتصار به نقل اسفار متعدده در اسفار باعث و داعی به تسوید این مجله و ترتیب این مقاله شد. و از جهت تذکره نفس خود خلاصه تصانیف اعظام حکما را در هر باب از مباحث طبی انتخاب و انتخاب نمود و در این کتاب جمع کرد و مشاطه متصرفه تصرف در ابکار افکار عرب کرده از لباس عربی عریان ساخت و به کسوت فارسی مزین و آراسته گردانید تا اخوان و محبان و سایر مسلمانان از آن انتفاع گیرند...»

اثر دیگر حکیم شفایی رساله ای در طب درباره باه و آبستنی با نام الرساله باهیته در کتابخانه ی مجلس موجود می باشد. این کتاب به خط نستعلیق قرن دهم و به نام اعتماد الدوله قاضی جهان سیفی حسنی وزیر دیوان، گویا در رمضان ۹۵۲ ق در ۵۴ برگ ۹ سطری و به زبان فارسی است. (نشریه ۱۰۵: ۷-۱-۴۵۰، استوری ۲: ۲۴۵).

سومین اثر میر مظفر طبیب در طب، قرابادین شفایی است:

آقا بزرگ طهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه از قرابادین شفایی نام برده « قرابادین شفایی کتابی است فارسی در ادویه مرکبه، که به ترتیب حروف الفبا است و صاحب آن سید مظفر بن محمد الحسینی الشفایی متوفی ۹۶۳ ه.ق که شروع کرد کتاب را با سپاس برای خدای دانای حکیم و صلوات بر کسی که به او داده شده حکمت و کتاب کریم [منظور حضرت محمد (ص) نسخه این کتاب شایع و بسیار بود که نسخه از آن را دیدم در (المجلس: ۴۳۴۱) که کتابت آن برابر ۱۴ شوال ۱۰۷۴ است. و نسخه دیگر آن کتاب نزد آقای شیرازی در سامراء است در حدود ۵۰۰۰ بیت نسخه دیگر نزد شیخ عبد الحسین طهرانی، و نسخه ای نزد آقای حسن صدر الدین و نسخه ای از آن در (دانشگاه) و کلیه آداب در آن و ۶ نسخه در (پزشکی) طهران میباشد...» (الذریعه الی تصانیف الشیعه، طهرانی، ج ۱۷: ۶۲ و ۶۱).

شیخ آقا بزرگ طهرانی همچنین در الذریعه تأکید میکند که: «خلاف قول صاحب ریاض العلماء می گویم احتمال اینکه شفایی اصفهانی صاحب قرابادین باشد وجهی ندارد. چون قرابادین شفایی برای سید مظفر بن محمد الحسینی الشفایی الکاشانی است که استخراج معدن لاجورد میکردند...» (همان: ج ۱۷ ص ۶۲، ج ۹ ص ۵۳۰، ج ۸: ۱۶۱).

علاوه بر این نسخه ای کامل (۲۲۸ برگ) از قرابادین در کتابخانه ی عمومی شهر مراغه موجود میباشد، کتاب حسب الامر امیر بوداق خان حاکم ولایت؟ در باب ادویه از حکیم مظفر بن محمد حسینی شفایی کاشانی (۹۶۳ ق) است. کتابت این نسخه توسط محمود بن شیخ عبدالله خطیب در ۱۲۲۹ ق و در سال ۱۳۰۲ قمری در دهلی در هاشم «قرابادین ذکائی» به طبع رسیده است. (الذریعه: ۱۷: ۶۱ - مرعشی: ۲۳۴: ۲ - نسخه های خطی فارسی ۱: ۵۸۰ - مجلس: ۸: ۳۵۶۴). اثر دیگر شفایی دیوان شعر (غزل) مظفر کاشانی میباشد که در الذریعه (ج ۹ - ص ۱۰۶۱)، طهرانی به آن اشاره کرده است. همچنین در تذکره تحفه سامی اثر سام میرزا صفوی (ص ۳۹ چاپ وحید)، (ص ۶۲ چاپ همایون فرخ) به دیوان غزل میر مظفر طبیب اشاره شده است. در الذریعه (ج ۱۱: ۴۴) به این مطلب اشاره شده که مولی محمد کاشی طبیب در سروده های خود «محمد» تخلص میکرد.

اخلاق شفایی (شاهی)

آخرین اثر سید مظفر بن محمد حسینی کاشانی رساله ای به نام اخلاق شفایی (شاهی) است که مورد نظر این اینجانبان بوده و در حدّ توان خود سعی کرده ایم رساله ای کم اشتباه را تصحیح و نسخه های مختلف آن را با یکدیگر مقابله دهیم. نام این رساله در تذکره های ذیل آمده: الذریعه (ج ۹: ۱۰۶۱)، (ج ۱۱: ۴۴)، تحفه سامی (ج وحید: ۳۹)، (ج همایون: ۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران (ج ۵ - بخش ۳: ۱۴۸۶)، فهرست واره کتابهای فارسی (ج ۶: ۳۰۰)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات (ش ۱۰۸۲: ۲۶۵)، فهرست نسخه های خطی

کتابخانه دانشگاه ادبیات (ش ۱: ۲۱) و فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملک (ش ۲: ۱۷). درباره نام کتاب اختلاف نظرهایی وجود دارد: در الذریعه، تحفه سامی (چ و وحید)، فهرست واره احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات، فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملک از نام اخلاق شاهی استفاده شده است. خود سید مظفر حسنی کاشانی نیز در دیباچه رساله خود اخلاق شاهپرا به عنوان نام کتاب ذکر میکند. ولی کتاب تاریخ ادبیات در ایران از نام اخلاق شفایی که برگرفته از نام خود شفایی است استفاده کرده است. «کتاب اخلاق شفایی، تألیف مظفر بن محمد حسینی شفایی کاشانی اصفهانی (م ۹۶۳ ه) که به شاه طهماسب صفوی تقدیم گردیده در زمره کتابهایی است که به شیوه متداول زمان نوشته است.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵- بخش ۳: ۱۴۸۶). در تذکره تحفه سامی که توسط رکن الدین همایون فرخ تصحیح شده به نظر می رسد ایشان به اشتباه نام اخلاق هاشمی را به عنوان رساله امیر سید مظفر طبیب آورده اند.

ساختار اخلاق شفایی

نویسنده دیباچه اثر خود را با تحمیدیه آغاز میکند و پس از حمد و ستایش پروردگار و درود بر پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و خاندان مطهرش، [در ص ۶] کتاب سبب تألیف کتاب خود را بیان میکند که:

«و بعد فقیر کسیر کثیر التقصیر، مظفر الحسنی الطیب الكاشانی، المتخلص بالشفایی با وجود قلت بضاعت و عدم استطاعت کمر، طاعت اشارت پر روشن ضمیر، که ضمیر منیر او چراغ مجلس روحانیان صوامع قدس است و رای عالم آرایش، شمع شبستان روشن دلان مجامع انس بر خاصره جان بسته، این چند کلمه در علم اخلاق که منافع آن به خاص و عام واصل و فواید آن عموم آنم را شامل است، بعد از استخاره و استجازه بر صفحه انشاء رقم نمود و در هر باب عروس افکار ابرار را در حجله بیان به درار آيات بینات و غرر احادیث و روایات و نوادر امثال و حکایات برآراست و با نقود تمام، عیار منشوراتی که در دارالضرب ادراک به سکه قبول علمای اعلام و افاضل ایام رسیده بود، عقود در شاهوار منظوماتی که در بحر افکار، اعتبار خاص و عام دیده منتظم ساخت و در گوش جان ارباب هوش کشید.»

آنچه میان هر ۴ نسخه (ملک، قم، مجلس، ادبیات) مشترک است بخش بندی آنها است که مشتمل بر یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه بدین تفصیل است:

مقدمه در فضیلت علم و حکمت؛ مقاله اول: در اخلاق حسنه در (۲۱ باب)؛ مقاله دوم: در اخلاق ذمیمه در (۱۷ باب) و خاتمه ای در سخنان حکما و قدما می باشد.

افکار و عقاید نویسنده

همانطور که از محتویات نسخه برمی‌آید شفای شیعۀ اثنی عشری است. وی با ذکر حکایات متعدّد و در بعضی موارد شرح برخی خرق عادات توسط امام معصوم توجه و علائق خود را نسبت به امامت و اهل بیت نشان داده است. نویسنده از مضامین عرفانی هم بهره برده است بطوری که تعداد زیادی از داستانهای روایی حاوی مسائل عرفانی و صوفیانه است. وی [در ص ۱۲ کتاب] راه تعالی و کمالات انسانی را منحصر در سه چیز می‌داند: یکی صحت اعتقاد که عبارت است از تصدیق به وجود واجب الوجود و سایر مومنان و حُسن معاشرت که مواسات است به مال با ارباب استحقاق، و تهذیب نفس از اخلاق ذمیمه سیئه و کسب اخلاق حسنه سنیه. او برای تصدیق افکار خود به قرآن، احادیث، گفته‌های پیامبر و ائمه اطهار رجوع میکند. برای نمونه تقوا را اولین شرط انسانیت میداند و حدود تقوا را با استناد به گفته امیر مومنان، و متقی را از دیدگاه آن حضرت تعریف میکند. حضرت امیر میفرماید: «متقی آن باشد که اگر جمله اعمال او را از روی مثل بر طبقی نهند و سرپوش از روی او بردارند و بر جهانیان عرضه کنند بر آنجا چیزی نباشد که او از آن شرم آید.

شیوه تحقیق و تصحیح

نقد و نظر

نسخه خطی «اخلاق شفایی» جزء متون روایی محسوب میشود و در واقع نویسنده آن ناقل اخبار، حکایات و رویدادها ی پیش از خود و یا زمان خود او است که تمامی آنها درون مایه اخلاقی و تهذیب و تزکیه نفس دارند و بیشتر مخاطبان آن حاکمان و صاحبان ممالک و دولت‌ها هستند. آیات، احادیث و اقوال مشهور هم مُهر تأییدی بر اصول اخلاقی مورد نظر نویسنده است.

نثر کتاب

نثر کتاب در بعضی مواقع به خصوص در هنگام بیان حکایات و نقل قول‌ها سهل و ممتنع است. در بعضی مواقع هم از جمله در دیباچه مؤلف نثری بینابین بر نسخه حاکم است، همراه با کاربردهای عربی در قالب آیات، احادیث و روایات که از ویژگی‌های متون عرفانی و صوفیانه است. این حکایات در اکثر مواقع حکایاتی طولانی همراه با اشعار زیبا است که در جای جای رساله می‌توان اشعار زیادی را مشاهده نمود. با توجه به اینکه مؤلف تا حدی از آثار عرفانی دیگر هم برای بیان حکایات بهره برده است، تحت تأثیر همان آثار بوده است، اما در موارد بسیاری به خصوص در قسمت آغازین نسخه از قدرت نویسندگی خود به خوبی بهره برده و آن را به رخ کشیده است. بهره‌گیری از نظم عربی و فارسی هم یکی از ویژگی‌های نثر این نسخه است و به خصوص متون عربی منظوم نسخه دریافت معانی را سخت‌تر میکند البته این نشان از تسلط نویسنده و احاطه وی بر زبان عربی دارد.

نسخه‌های خطی اخلاق شفایی

در کشور ایران تاکنون از این اثر پنج نسخه شناسایی گردیده است که به ترتیب تاریخ عبارتند از:

۱- نسخه شماره ۴۶۴، کتابخانه ملی ملک مربوط به سده یازدهم هجری؛

۲- نسخه شماره ۸۵۶۰، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی شهر قم، مورخ ۱۲۲۴ ق؛

۳- نسخه شماره ۲۷۴۷/۲، کتابخانه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (شماره ۱)، مورخ ۱۲۳۰ ق؛

۴- نسخه شماره ۲۴۶ د، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، مورخ ۱۲۳۸ ق؛

۵- نسخه شماره ۱۳۷ د، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، مورخ ۱۲۷۱ ق؛

معرفی نسخه ها و ویژگیهای نسخه شناسی آن
نسخه ملک

ویژگی های سبکی نسخه اساس (ملک)

۱- استفاده فروان از آیات و احادیث؛

۲- به کار بردن وسیع اشعار عربی و فارسی؛

۳- به کار بردن نکات بلاغی؛

نام کتاب اخلاق شاهی بوده که تألیف مظفر حسینی طبیب شفایی کاشانی (متوفی ۹۶۳) است و محل نگهداری کتاب در کتابخانه ملی ملک شهر تهران است.

تاریخ کتابت نسخه ملک قرن ۱۱ و بخش بندی آن شامل یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه است، مقاله اول در ۲۱ باب، مقاله دوم در ۱۷ باب است. آغاز: « حمد بی حد سزاوار پادشاهی است... ».

نسخه مجلس

نام کتاب اخلاق شاهی بوده که تألیف سید مظفر بن محمد حسینی کاشانی ساعد متخلص به شفاییاست. محل نگهداری کتاب، کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره یک) شهر تهران است.

تاریخ کتابت نسخه مجلس به سال ۱۲۳۰ و محل کتابت آن شهر مراغه است.

آغاز: « حمد بی حد سزاوار پادشاهی است... ».

انجام: « سخاوت کند مرد را نامور سخاوت بود بهتر از صد هنر ».

نسخه قم

نام کتاب اخلاق شاهی بوده که مؤلف آن سید مظفر بن محمد حسینی شفایی (۹۶۳ ه.ق) است. محل نگهداری کتاب، کتابخانه مرعشی نجفی (آیت الله) شهر قم است. کاتب نسخه مشخص

نیست اما از وجود کلمات بسیار جا افتاده در متن و برخی اغلاط املائی می توان گفت که کاتب کم سواد یا حداقل بی دقتی بوده است. تاریخ کتابت نسخه قم برابر با ذی الحجه ۱۲۲۴ ق می باشد.

بخش بندی آن مشتمل بر مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه بدین تفصیل: مقدمه در فضیلت علم و حکمت، خاتمه در سخنان حکما و قدما، مقاله اول در اخلاق حسنه و مشتمل بر ۲۱ باب است،

مقاله دوم در اخلاق سیئه و مشتمل بر ۱۷ باب است. آغاز: « حمد بی حد سزاوار پادشاهی است... ».

انجام: « سخاوت کند مرد را نامور سخاوت بود بهتر از صد هنر ».

نسخه ادبیات (تل)

نام کتاب اخلاق شفایی بوده که تألیف سید مظفر بن محمد حسینی کاشانی ساعد (متوفی ۹۶۳) میباشد. محل نگهداری کتاب در مجموعه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران است. تاریخ کتابت نسخه ادبیات در روز پنجشنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۲۷۱ ق است.

صفحات اول و آخر جلد با مرکب مشکی و قرمز کتابت شده است که در صفحه اول جلد، عبارت عربی منسوب به حضرت امیر المومنین (ع) و چند بیت شعر با مطلع «یک روز کسی که به جمالت نگرست / چون از تو جدا ماند چرا خون نگرست ...» و در صفحه پایانی جلد حکایتی منسوب به ذوالنون مصری میباشد. در صفحه آخر نسخه ادبیات نام کاتب آمده: «تمام کتاب مسطاب به قلم ... الراجی الاثیم ابن محمود بن مرحوم محمد الموسوی عبد الکریم عفی الله فی یوم الخمیس سابع عشر ربیع ۱۲۷۱»؛

شفایی این کتاب را در دو مقاله آورده است.

آغاز: هذه النسخة الشريفة منتخبة من الشفائي. بسم الله. الحمد لله رب العالمين...

شاهی که بر بسیط زمین عدل شاملش گسترده فرش امن و امان مرتضی علی است ... و بعد فیقول: مظفر الحسینی الطیب الكاشانی المتخلص به شفایی این چند کلمه در علم اخلاق که منافع آن به خاص و عام واصل. انجام:

به نام و نمک خلق گردند رام بدین ختم کردم سخن والسلام

نسخه الهیات

نسخه دیگری از کتاب اخلاق شاهی در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است و به دلیل اینکه خلاصه ای از رساله اخلاق شاهی بوده در این مقال، فقط به ذکر ویژگی های ظاهری نسخه پرداخته ام.

نام کتاب اخلاق شاهی بوده که تألیف مظفر حسینی طیب کاشانی متخلص به شفایی بوده و به فارسی اخلاق شفایی هم خوانده شده است. تاریخ کتابت نسخه الهیات به سال ۱۲۳۸ ه.ق بوده و محل نگهداری کتاب در مجموعه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران است.

آیت الله شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی در محرم الحرام سنه ۱۳۷۶ این نسخه را وقف کتابخانه دانشکده معقول و منقول کرده اند. آغاز: بسم الله. الحمد لله رب العالمين... اما بعد میگوید: الحقیر الفقیر، کثیر التقصیر مظفر الحسینی الطیب الكاشانی المتخلص به الشفایی، رساله ای مُسمی به اخلاق شاهی که مشتمل بر مقدمه و دو مقاله در بیان فضیلت علم و حُسن اخلاق؛ در برگ ۱۲۸ پشت داروی بعضی از امراض بلغمی دیده میشود. انجام: چه کنم که مردم مرا دوست دارند/ گفت ستم مکن و دروغ مگو و کس را مرنجان. الحمد لله الذی وفقنی لِاتمامه.

ویژگی های رسم الخطی مختص نسخه اساس (ملک)

- در نسخهٔ ملک هرگاه چند کلمه یا خط جا افتاده، کاتب با گذاشتن عدد « ۲ » آن چند کلمه یا خط را در کنار صفحه آورده است؛
- در برخی موارد زیر حرف « سین » به شیوهٔ برخی نستعلیق نویسان قرون نهم تا سیزدهم سه نقطه قرار داده است؛
- در برخی موارد کلماتی که دو حرف کنار هم، مجموعاً سه نقطه دارند، این سه نقطه در یک جا متمرکز و روی هم نگاشته شده که در مواردی باعث سخت خوان شدن متن گردیده است؛
- عبارت های عربی متن به صورت بزرگتر و متمایز از دیگر عبارات نوشته شده اند؛
- بعضی کلمات در نسخهٔ ملک به مرور زمان از بین رفته است، ولی با دقت بیشتر می توان آن کلمات را خواند (نمونه ص ۱۲۴)؛
- آوردن قسمتی کوتاه از اصل آیات و احادیث در متن؛
- رعایت کامل اعراب گذاری آیات و احادیث؛
- معانی آیات و احادیث با خط قرمزی در زیر آنها مشخص شده است؛
- کاتب در دیباچهٔ رساله، فهرست بابها را با رنگ آبی مزین کرده است و در هیچ جای دیگر از این رنگ استفاده نکرده است؛
- همه صفحات حاشیهٔ قابل استفاده دارد، که البته جز موارد اندک از آن استفاده نشده؛
- به کار بردن لغات و معانی سخت و دور از ذهن: انفاذ (= انتقام)، شامت (= شومی)، همیون (= همایون)؛
- عدم رعایت نقطه گذاری: به جاه (= به چاه) [ص ۱۱۱]، مسعول سد (= مشغول شد) [ص ۱۱۱]، جند (= چند) [ص ۱۱۳]، جنانجه (= چنانچه) [ص ۱۱۴]؛
- نام کتاب اخلاق شاهی بوده که تألیف مظفر حسینی طبیب شفایی کاشانی (متوفی ۹۶۳) است و محل نگهداری کتاب در کتابخانهٔ ملی ملک شهر تهران است.
- تاریخ کتابت نسخهٔ ملک قرن ۱۱ و بخش بندی آن شامل یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه است، مقالهٔ اول در ۲۱ باب، مقالهٔ دوم در ۱۷ باب است. آغاز: « حمد بی حد سزاوار پادشاهی است... ».
- ویژگی های رسم الخطی مختص نسخ مجلس و قم:
- در زیر حرف « ی » به شیوه نستعلیق نویسان قرن نهم تا سیزدهم ۲ نقطه آمده است: بی اذیت (= بی اذیت)؛
- در نسخهٔ قم در موارد زیادی که کلمه یا کلماتی جا افتاده، کاتب با گذاشتن عدد « ۲ » آن چند کلمه یا خط را در کنارهٔ صفحه آورده است؛
- آوردن نشانی ها و علامت اختصارها کنار بعضی صفحه های نسخهٔ قم که دسترسی به حکایات را آسان کرده : ح= حکایت ؛ باب = باب؛

- معانی احادیث و آیه‌ها ذکر نشده، همچنین اعراب‌گذاری آنها نیز انجام نشده است؛
- آوردن آیات و احادیث بطور کامل در تمام نسخ قم و مج؛
- کلمات «توست» و «بدتر» به صورت «تُست» و «بُتر» نوشته شده است؛
- وجود غلط‌های املائی زیاد در نسخه مج: نکایت (= کفایت) [ص ۳۷۰ مج]، ظفر (= ظفر) [ص ۳۷۱ مج]، ساحت (= ساخت) [ص ۳۷۱ مج]، خوانه (= خانه) [ص ۳۷۱ مج]، برخورد (= برخورد) [ص ۳۷۱ مج]، بکدام (= یک درم) [ص ۳۹۱ مج]، مبدا (= مبدأ) [ص ۳۱۶ مج]، خان (= خوان به معنی سفره)؛
- در نسخه مج گاهی در نقطه‌گذاری دقت نشده است: ساحت (= ساخت) [صص ۳۱۲ مج] ، بدراری (= به درازی) [صص ۳۱۴ مج] ؛
- در نسخه مجلس همه صفحات معادل متن حاشیه قابل استفاده دارد ، که البته جز در موارد بسیار اندک از آن استفاده نشده؛
- کاتب نسخه، هر کجا که از امیر المومنین علی علیه السلام نام برده، این نام با اضافه کردن القاب دیگر همراه است: «حضرت امام الاوّلین والآخرین علی بن ابی طالب (ع)»؛
- کاتب نسخه قم بر سهو القلم‌های اندک خود، خطی اریب نازک کشیده، و با گذاشتن عدد «۲» آن چند کلمه یا عبارت را در کناره صفحه آورده است.
- ویژگی‌های رسم الخطی مختص نسخه ادبیات (تل)
- در اندک مواردی که کلمه یا کلماتی در متن جا افتاده اند، کاتب با گذاشتن علامت «۷» آن را در کناره صفحه آورده است؛
- آوردن آیات و احادیث بطور کامل در تمام نسخه؛
- همه صفحات معادل متن حاشیه قابل استفاده دارد ، که البته جز موارد اندک از آن استفاده نشده است؛
- هیچ یک از معانی احادیث و آیه‌ها، نیامده است؛
- اعراب‌گذاری احادیث و آیه‌ها به درستی انجام شده است؛
- علامت تشدید در تمام نسخه به درستی رعایت شده است؛
- در برخی موارد کلماتی که دو حرف کنار هم آن مجموعاً سه نقطه دارند، این سه نقطه در یک جا متمرکز و روی هم نگاشته شده که در مواردی باعث سخت خوان شدن متن گردیده است؛
- اعراب‌گذاری برخی کلمات فارسی، که خواندن آن کلمات را آسان می‌کند :
- «نانی اگر هست میسر ز جو / از پی لوزینه دونان مرو» [برگ ۶۶ پ سطر ۱۱]
- به کار بردن برخی اصطلاحات خاص: استفاده از فعل «اِسْتَد» و «سِتَد» به معنای «گرفت» و همچنین به کار بردن فعل «دَر بَند» به معنای «بستن»؛

- عدم رعایت نقطه گذاری در برخی موارد: « عنایت ازلی و شفقت لم یزلی او را پسری کرامت فرمود که صبح سعادت از ناصیه او پیدا بود » [برگ ۱۷، سطر ۱۴]؛ « پادشاه را یک پسر بود با جمال و کمال که گل تازه را نضرت عارضش مایه خوش رنگی وام دادی و مشک صین عطر از هر چین زلفش گدایی کرده » [برگ ۳۰، سطر ۷]؛

- وجود برخی غلطهای املائی: « آن نواحی بدو داد و ارزانی فرمود و به برکت حلم و وقار خبث باطن خواتون مطلع شد و از قتل غلام مشفق بی گناه دست کشید » [برگ ۳۵، سطر ۷]؛

- عدم رعایت علائم نگارشی در اغلب موارد: « آدمی را سه قوت است که مبادی افعال و آثارند یکی قوه نطقی که آن را نفس ملکی گویند و آن مدرک معقولات و ممیز صلاح و فساد است از افراط آن شیطنت و شرارت خیزد و از تفریط بلاهت و حماقت و از اعتدال حکمت » [برگ ۸، سطر ۱۰]؛

ویژگیهای رسم الخطی مشترک بین ۴ نسخه (ملک، مجلس، قم، ادبیات):

- «گ» فارسی در تمام نسخ به صورت «ک» نوشته شده است: گفت (= گفت) [صص ۳۶۹، مج ۵۴، قم] ، کوش (=گوش) [صص ۳۱۲، مج ۴، قم]؛ «پادشاهی همگی (= همگی) همت همایون به تدبیر مملکت داری و رعیت پروری مصروف فرماید و جملگی (= جملگی) اوقات عزیز را مستغرق خواب غفلت نسازد» [نسخه ادبیات، برگ ۲۹، سطر ۱۵]؛

- آوردن «ه» مدور در پایان کلمات، مانند کتابت معمول در عربی: به حرکت (= به حرکت) [ص ۱۱۸ اساس] ، آله (= آلت) [ص ۱۲۸ اساس] ، انسانیه (= انسانیت) [ص ۱۰ اساس] ؛ مدّه (= مدت) [صص ۳۶۵، مج ۵۰، قم] ، قوه (= قوت) [ص ۳۶۸، مج ۵۳، قم] ، « جهت انجام بعضی مآرب و مطالب به ارسال معتمدی عاقل و عالم به طرفی ضروره (= ضرورت) افتاد به وزیر مشوره (= مشورت) کرد گفت من به کسی وثوق ندارم » [برگ ۱۱، سطر ۹، تل]؛

- اتصال حروف اضافه به کلمات: باسراف (= به اسراف)، بدامن (= به دامن) [ص ۱۱۳ اساس] ، بیعادت (= به عیادت) [ص ۱۲۲ اساس] ؛ بمرتبه (= به مرتبه ای) [صص ۳۶۱، مج ۴۷، قم] ، بضرورت (= به ضرورت) [صص ۳۶۱، مج ۴۷، قم]؛ « موسی جهت تکفین و تدفین او بمیان (= به میان) قوم آمد » [برگ ۹، سطر ۴، تل]؛

- در کلمات مختوم به «ه» بیان حرکت ، نشانه اضافه و یای نکره «ای» به صورت «ء» می آید: تحفه (= تحفه ای) [ص ۱۴۴ اساس] ، پیشه (= پیشه ای) [ص ۱۴۵ اساس] شمه (= شمه ای) [صص ۳۰۹، مج ۲، قم] ، ناله (= ناله ای) [صص ۳۱۷، مج ۷، قم] ، نعره (= نعره ای)، آورده (= آورده ای) [صص ۳۲۱، مج ۱۱، قم] ، حفره (= حفره ای) [صص ۳۳۱، مج ۲۱، قم] ؛ « درویش نعره (= نعره ای) بزد و جان به جان آفرین سپرد » [برگ ۹، سطر ۳، تل]؛

- حذف «الف» از فعل ربطی « است »: صوابست (= صواب است) [ص ۱۱۳ اساس] ، خشنودیست (= خشنودی است) [ص ۱۱۹ اساس] ؛ حرامست (= حرام است) [صص ۳۷۰

مج، ۵۵ ق‌م] ، اشارتست (= اشارت است) [صص ۳۹۸ مج، ۷۸ ق‌م] ؛ «گفتند چه چیزست (= چیز است) گفتند کنیزیست (= کنیزی است) که مثل او به حُسن صورت و سیرت کس ندیده» [برگ ۱۴، رو، سطر ۱ تل] ؛

- پیوستن جملات به صورت پی در پی و عدم رعایت بند و فاصله: «زر را به غفلت فراموش کرد می رفت در عقب او شبانی بدان کنار آب رسید کیسه زر یافت برداشت» [صص ۱۱۰ اساس] ؛ «و اگر ملوک در عفو دَر بندند و باندک ضیافتی بعقوبت امر فرماید ملازمان و مقربان بر ملوک اعتقاد نکنند و مهمّات معطل ماند و ملوک و مجرمان از لذّت شربت عفو بی نصیب شوند» [برگ ۳۶، رو، سطر ۹ تل] ؛

- اتصال صفت اشاره به کلمه در برخی موارد: ایندعوی (= این دعوی) [صص ۳۶۲ مج، ۴۷ ق‌م] ، آنجماعت (= آن جماعت) [صص ۳۷۲ مج، ۵۷ ق‌م] ، «اتفاقاً لشکری جهت تسخیر بلاد متوجه آنصوب (= آن صوب) شد و پادشاه آنحدود (= آن حدود) را به واسطه کثرت انصار و اعوان ایشان ...» [برگ ۱۸، رو، سطر ۹ تل] ؛

۱،۱ محور زبانی مختص نسخه اساس (نسخه مَلِک):

الف) حذف فعل به قرینه: «و چون به نظر تحقیق بنگرند نه جبر مطلق باشد و نه قدر مطلق [باشد]» [صص ۱۰۹ سطر ۴] ؛

ب) جمع مکسّر: «کبار» [صص ۱۳۷] ، «تواریخ» [صص ۱۴۸] ، «خزاین» و «دفاین» [صص ۵۷] ، «جداول» [صص ۵۲] ، «تصاریف» و «تقالیب» [صص ۵۸] ، «فواحش» [صص ۶۰] ، «بحار» [صص ۶] ؛

ج) عدم مطابقت فعل با نهاد: «دامنش پر زر شد، سجده شکرگزارد و به برکت توکل از فاقه و فقر نجات یافتند» [صص ۱۱۴ سطر ۴] ؛ «هر که بی ادبی کند و در جایی که همه کس پیاده روند او سوار باشد لاجرم در بیابان پیاده اش باید رفت» [صص ۱۶۰ سطر ۶] ؛

ف) در اندک مواردی حذف شرط و جزای شرط به قرینه مقام: «امام باقر(ع) چون در مقام رضا بود گفت: اراده من تابعه اراده خداست اگر مرا مریض می خواهد مرض دوست تر دارم و اگر صحیح [میخواهد] صحت [دوست تر دارم]» [صص ۱۲۰ سطر ۷] ؛

ش) حذف شناسه فعل به قرینه: «تعالی الله چه حکیمی است، که اجتماع قوای متضاده در موضع واحد از بدایع حکمتش نکته‌ای است و ارتفاع بقاع افلاک بر ذروه سماک، از صنایع قدرتش شمه‌ای، و تبارک الله چه کریمی است...» [صص ۱ سطر ۸] ؛

م) استفاده از فعل «استد» و «ستد» به جای فعل «گرفت»: «... که آلت های معصیت از من سته است و آلت معرفت به من گذاشته، چشم سته است تا در نامحرم ننگرم و دستم سته تا ناگرفتی نگیرم، پایم سته است تا به جایی که نباید رفت نروم.» [صص ۱۳۲ اساس] ؛

ی) قرار دادن « می » استمراری در آغاز افعال: دانستمی (= می دانستم)، نپروردمی (= نمی پروردم)، نخوردمی (= نمی خوردمی)؛

۲،۱ محور زبانی مختص نسخه مجلس و قم:

ط) عدم مطابقت فعل با نهاد: « دهقان به طلب دستار خود به چاه فرو رفت آن کیسه زر را دید برداشت و بیرون آمد و به وفای نذر اقامت نمود و بنیاد بذل و صدقه کرد تا دو ثلث و کسری از آن زر خرج شد آن شب بسبب حاجتی متوجه شهر شدند» [صص ۳۶۵، مج، ۵۰، قم]؛

« به ویرانه ای رفتم مردی را دیدم که او را هر دو دست و هر دو پای و هر دو چشم نبود و با خدا مناجات می کردند میگفت اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلٰی نِعْمَائِهِ » [صص ۳۷۵، مج، ۵۸، قم]؛

ق) به کار بردن برخی مصادر جعلی: «رجولیت» [ص ۳۲۵، مج، ۱۵، قم]؛ «رجلیت» [ص ۳۲۵، مج]؛

ک) حذف «نون» از آخر کلمه «همچون»: «همچو»؛

گ) حذف یک حرف «ی» در جایی که باید دو حرف «ی» بیاید: گدای (= گدایی)، جای (= جایی)، بگوی (= بگویی) [صص ۳۸۸، مج، ۷۰، قم]؛

د) حذف حروف اضافه: «اگر تو مرا یکسخن درشت بگویی من ده جواب تو بگویم» [صص ۳۸۸، مج، ۷۰، قم]؛

ص) استفاده از فعل «شد» به جای «بود» در نسخه قم: «نزدیک شد که دیوانه شود» به جای جمله «نزدیک بود که دیوانه شود»؛

ض) استفاده از «چنان که» به جای «چنان چه»: «چنان چه در اندک مدتی به اخلاق حمیده ...»؛

ع) به کار بردن جمع های مکسر عربی: «شوایب» [صص ۳۶۶، مج، ۵۱، قم]، «شداید» [صص ۳۸۹، مج، ۷۰، قم]؛

ن) جدا نوشتن حروف «نه» و «به» از کلمه: نه پرستند (= نپرستند)، نه پرداخت (= نپرداخت)، به بند (= ببند)، به بستنی (= ببستنی)، به بینم (= ببینم)؛

۳،۱ محور زبانی مختص نسخه ادبیات:

ش) حذف شناسه فعل به قرینه: «و هیچ کس دیگر از اصحاب و تابعین بدین عمل ننموده اند و این منزلت نیافته اند» [برگ ۵۰، پ، سطر ۷]؛

ب) به کار بردن جمع های مکسر عربی: «و اگر بددلی به خود راه قرار دهد بی شک اسیر مصایب و نوابی گردد» [برگ ۱۶، پ، سطر ۳]؛ «و حضرت امیر (ع) فرموده: السَّخَاوَةُ وَالشُّجَاعَةُ عَرَائِزُ شَرِيفَةٌ

يَضَعُهَا اللَّهُ ...» [برگ ۸، و، سطر ۹]

ع) حذف جواب شرط به قرینه مقام: «امام علیه السلام چون در مقام رضا بود فرمود اراده من تابع اراده خداست اگر خدا مرا مریض می‌خواهد مرض دوست دارم و اگر صحیح صحت [دوست دارم] و قس علی هذا» [برگ ۶۰، سطر ۱۵]؛

ف) حذف حروف اضافه: «به مرافقت یکدیگر رو به راه آوردند تا در کنار دریائی رسیدند جمعی از [را] تجار دیدند که دو کشتی برای مرتب ساخته بودند» [برگ ۱۳، سطر ۹]؛

م) حذف نشانه «می» فعل به قرینه: «یکی از ملوک هند را با پادشاهی فرنگی منازعت و مخاصمت کلی بود و از مقاومت او عجزی تمام داشت و همیشه از او خایف و متوهم می بود و در دفع و رفع معاندت او با حکما مشورت نمود» [برگ ۳۹، سطر ۹]؛

۴،۱ محور زبانی مشترک بین هر ۴ نسخه:

د) طولانی بودن جملات: «... و آن خالص کردن اعمال و اقوال است از شویب علل و اغراض و مخصوص ساختن نسبت به قربت باری تعالی چنانچه غرض دنیوی و اخروی از حب جاه و نیک نامی و طمع بهشت و ثواب آخرت و نجات از عذاب دوزخ...» [ص ۱۱۴ سطر ۶ اساس]؛ «و مهمم او به جایی انجامید که به نوک نیزه جانسوز خال از رخ ماه ربودی و به ناوک جگردوز نسر طایر را ب فلک دوختی و از سهم تیرش زهره شیر گردون آب شدی و از صولت گرز مرد افکنش گاو زمین را دل در بدن لرزیدی» [برگ ۱۷، سطر ۱۴ تل]؛ «پادشاه را مر صواب آن است که انتظار ارباب حاجت بر درگاه خود حقیر نماند و حاجت حاجتمندان را در مقام تعویق نیندازد و قضای حوایج را فوزی عظیم داند و تا مومنی را حاجتی باشد به هیچ نافله ای مشغول نشود که گذاردن حاجت مومن از هر نافله و غیره فاضل تر است» [ص ۳۲۸، مج ۱۸، قم]؛

ر) تطابق صفت و موصوف از نظر مونث و مذکر بودن به قاعده عربی: «مخاطرات عظیمه» [ص ۱۵۸ اساس]، «سیرت حمیده» [ص ۱۶۱ اساس]، «حلیه مرضیه» [ص ۱۶۱ اساس]، «گفت در کشتی شما چه چیز است؟ گفتند: جواهر و امتعه و عمبر و اشیاء نفیسه» [برگ ۱۳، سطر ۱۴ تل]؛ «مخاطرات عظیمه» [ص ۳۸۹، مج ۷۰، قم]؛

س) آوردن واژه های مترادف: «فرض و متحتم» و «واجب و لازم» [ص ۱۳ اساس]؛ «شجاعت صرف قوت غضبی است به مقتضای شرع و عقل و آن وقتی متحقق شود که نفس سبعی اطاعت و انقیاد نفس ملکی نماید» [برگ ۱۵، سطر ۹ تل]؛ «شیطنت و شرارت»، «عجب و تکبر» [ص ۳۱۶، مج ۷، قم]؛

ص) پیوستن کلمات و جملات با حرف ربط «و» (که اغلب با حذف فعل همراه است):

«و صلوات بی انجام و سلام مالاکلام بر ارواح مقدسه و اشباع مطهره آل فرخنده، مال و اولاد امجاد و عشیرت ملایک سیرت او باد که هر یک دری از آسمان امامت و در دریای بی پایان هدایت و شمع دودمان نبوت و ولایت اند خصوصاً شاه ایوان هل آتی و ماه آسمان لافتی، در درج لو

كَشَفَ الْعَطَاءَ، وَ اخْتَرِ بُرْجَ اَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلِهِ هَرُونَ مِّنْ مُوسَى، مُدْرَسٌ مَدْرَسَةُ سَلُونِي، مَعْلَمٌ عِلْمٌ لَدُنِّي
 اَسَدُاللهِ الْغَالِبِ مَوْلَانَا وَ مَوْلَانَا لِثَقَلَيْنِ عَلِيِّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ» [ص ۴ سطر ۸ اساس]؛ «کافی به اهتمام تمام
 شب و روز به تکرار و تذکار مشغول می بود و به مباحثه و مطالعه مشغوف و از مجالست علما و
 اشراف محظوظ چنان که در اندک مدتی به اخلاق حمیده و آداب مرضیه متحلّی شده و بر دقایق
 علوم وقوف یافته» [برگ ۴۴ پ، سطر ۵ تل]؛ «جامه درویشانه او پوشیده متوجه شهر حبشه شد
 » [ص ۳۴۶ مج سطر ۶]

(ض) جابجایی ارکان جمله (تقدیم فعل) به دلیل آوردن سجع یا تأثیر از زبان عربی: «توکل از
 صفات صدیقین است و آن تفویض امور است به خالق و نا امیدی من کل الوجوه از
 مخلوق» [ص ۱۰۶ سطر ۷ اساس]؛ «باب هفتم در رضا و خشنودی است از خدای تعالی جلّ
 شأنه من کلّ الوجوه» [برگ ۵۹ پ، سطر ۱۱ تل]؛

«آورده اند که زرگری متمول لعل پاره داشت خوش رنگ و شفاف چون اخگر آتش درآخشان و
 چون پیکر مریخ درآفشان» [صص ۳۹۳ مج، ۷۹ قم]؛

(ط) حذف فعل به قرینه لفظی یا معنوی: «شیخ شبلی روزی با مریدان به مکتبی رفت دو کودک را
 دید که در سفره یکی نان و حلوا بود و در زنبیل دیگری نان خشک [بود]» [ص ۱۳۳ سطر ۱
 اساس]؛ «آورده اند که در دیار یمن پادشاهی بود روشن رأی کشور گشای مملکت آرای که
 جمشیدوار جام جهان نمای عقل را آینه کار و بار ساخته بود و خورشید مثال شعشعه انوار عدلش
 بر اطراف روزگار تافته [بود]» [برگ ۳۶ پ، سطر ۷ تل]؛ «اگر در سلوک سفر آخرت مرا بر تو پیشی
 بود خود شرط به پایان رسانیده باشم و اگر چند روزی در اجل مهلت افتد عهد همان است و پیمان
 همان [است]» [صص ۳۸۴ مج، ۷۴ قم]؛

(ع) تتابع اضافات: «و صلوات بی انجام و سلام مالاکلام بر ارواح مقدسه و اشباع مطهره آل فرخنده،
 مال و اولاد امجاد و عشیرت ملایک سیرت او باد که هر یک ذری از آسمان امامت و ذرّ دریای
 بی پایان هدایت و شمع دودمان نبوت و ولایت اند» [ص ۴ سطر ۸ اساس]؛ «فقیر حقیر کثیر
 التقصیر مظفر الحسینی الطیب الکاشانی المتخلص به شفایی با وجود قلت بضاعت و عدم استطاعت
 کمر اطاعت اشاره پیر روشن ضمیر که ضمیر منیر او چراغ مجلس روحانیان سوامع قدس است و
 رای عالم آرایش شمع شستان روشن دلان مجامع انس» [برگ ۵ پ، سطر ۶ تل]؛ «عقود در شاهوار
 منظوماتی که در بحار افکار خاص و عام دیده منتظم ساحت و در کوش جان ارباب هوش کشیده»
 [صص ۳۱۲ مج، ۴ قم]؛

۲. محور ادبی مشترک هر ۴ نسخه

تضاد: «محبت باری تعالی در طبیعت چنان راسخ باشد که احوال مختلفه مثل صحت و مرض و
 غنی و فقر و حیات و ممات یکسان نماید» [ص ۱۱۹ سطر ۶ اساس]؛ «... جابر چون در مقام صبر

بود عرض کرد حالتی دارم که مرض را از صحت دوستتر دارم و پیری از جوانی و مرگ از زندگانی
« برگ ۶۰، سطر ۹ تل] ؛

سجع: « علم درخت و عمل او ثمر / خاص برای ثمر آمد شجر » [ص ۱۱ سطر ۹ اساس] ؛ « در زمان
قدیم بنی اسرائیل را پادشاهی بود جهاندار کامکار صیت ابهت و کامکاری و آوازه معدلت و
شهریاری او در اطراف و اکناف عالم سایر بود و ذکر عظمت و جهانداری او چون نیر اعظم در نصف
النهار ظاهر » [برگ، سطر ۹ تل] ؛ « مدرس درس سلونی، معلم علم لدنی، اسدالله غالب، امام اهل
المشارق و المغرب » [صص ۳۱۱ مج، ۳ قم] ؛

مجاز: « هر آینه تدابیر ایشان متضمن امنیت عالم و جمعیت حال بنی آدم خواهد بود » علاقۀ کل و
جزء [ص ۷۶ سطر ۴ اساس] ؛ « یا موسی اورا مکش که سخی است، بلکه او را از ملاقات با مردم منع
نما. موسی او را از میان قوم اخراج کرد » [صص ۳۶۰ مج، ۴۵ قم] ؛ « جمیله که به حُسن فتنه دوران
بود و به لطف آرام جان جهان و نادره زمان بود » [ص تل]

جناس: « روزی موسی علی نبینا و غلیه، به مناجات میرفت گذار وی به ویرانه ای افتاد، نا له ای به
گوش او رسید، قدم در آن ویرانه نهاد، درویشی را دید که نفس نفیس خود را به حلیه علم و عمل
آراسته... » [ص ۱۵ سطر ۱ اساس] ؛ « باسط بساط عدل و احسان » [صص ۳۱۳ مج، ۴ قم] ؛ « عابد گفت
راست می گویی لیکن بودن تو در اینجا مصلحت نیست بیست دینار زر بدو داد و او را شب از دیر
بیرون کرد » [برگ ۱۳، سطر ۱۴ تل] ؛

ترصیع: « نور حدیقه اعیان، نور حدیقه جنان، باسط بساط عدل و احسان، قامع اساس جور و
طغیان... گوهر درج هدایت، اختر برج ولایت » [ص ۸ سطر ۲ اساس] ؛ « عفت و عفو آلت خردند
شهووت و خشم آفت خردند » [صص ۳۱۹ مج، ۱۰ قم] ؛ « غلامی بود ابرهه نام که پسر ملک حبشه بود
و به سبب تلاطم حوادث دوران و تراکم فتنه آخرالزمان از شهریاری به غلامی مُلک یمن افتاده
بود » [برگ ۳۶، سطر ۱۳ تل] ؛

تضمین المزدوج: « و اسکندر را چهار وزیر حکیم بود که به فضیلت رای و مزیت عقل، مذکور و به
راستی تدبیر و خوبی فکر مشهور بودند و آثار فوز و نجاح و اسرار خیر و صلاح از رای ایشان ظاهر و
باهر بود » [ص ۷۸ سطر ۹ اساس] ؛ « ارکان دولت چون آثار جلادت و مردانگی و علامات عدالت و
فرزانگی در پسر دلاور مشاهده نموده [برگ ۱۸، سطر ۱۴ تل] ؛

مراعات النظیر: « و با عروس مملکت و مخدّره سلطنت عشق بازی نمودی، تا در شجاعت و جلادت و
جرات و رجولیت کار او به جایی رسید » [ص ۳۳ سطر ۲ اساس] ؛ « مبدأ دفع مضار نفس سبعی است
که از افراط آن عجب و کبر و جهل حادث گردد و از تفریط مذلت و خواری و بیچارگی »
[صص ۳۱۶ مج، ۷ قم] ؛

تشبیه: «و نیز آرکان دولت و آعیان مملکت چون بر تیقظ پادشاه و استخبار حالات اطلاع یابند جز بر مُنهج صواب و سداد سلوک نتوانند نمود و از جاده عدالت و طریق نصفت پا بیرون نتوانند نهاد» [ص ۵۵ سطر ۱۲ اساس]؛ «تبارک الله چه کریمی است که قرص آفتاب جهانتاب گرده نانی از خان احسان وجود اوست» [صص ۳۰۹، مج ۱، قم]؛ «و حلم و ثبات و تواضع و تحمل و حمیت و بلند همتی از انواع جنس شجاعت اند» [برگ ۱۸، سطر ۱۱ تل]؛

تشبیه: «علی بن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه به یک ضرب شمشیر آبدار که به شجاعت بر ران عمر نابکار زد ثواب آن در میزات عدالت یزدان افزون تر از عبادت انس و جن بلکه از طاعت خلق زمیت و آسمان آمد»؛ «گریزان شدند آن دلیران همه / چو از شیر غرنده آهو رمه»؛

استعاره: شاه قوی پایه فیروز جنگ گلبن این روضه فیروزه رنگ» [ص ۶۵ سطر ۲ اساس]؛ «شکر بی عدد به ازاء نعمت منعمی است که طوطی خوش الحان ناطقه را کام جان به شکر شکر شیرین ساخت» [صص ۳۰۹، مج ۱، قم]؛

کنایه: «عروس ملک نسازد مگر به دامادی که اول از گهر تیغ داد کاوینش» [ص ۳۵ سطر ۷ اساس]؛ «گنجشک در خانه چشم باز آشیان ساخت» کنایه از امنیت فراوان [صص ۳۳۳، مج ۲۳، قم]؛

ارسال المثل: «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد» [ص ۵۵ سطر ۱۱ اساس]؛ «هر که قانع تر شد به خشک وتر شه بحر و بر است»؛ «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد» [صص ۳۳۸، مج ۲۷، قم]؛

۳. ارزشهای محتوایی (فکری):

- با بررسی های صورت گرفته در اثر، این نتیجه به دست آمد که شفایابی، هدف خود را ارائه یک دستورالعمل برای اصلاح ایمان و اخلاق میداند. لذا به شیوه کتب تعلیمی و اخلاقی پیش از خود همانند کیمیای سعادت، اخلاق محسنی، اخلاق حسنی، اخلاق منصوره و گلستان سعدی ساختار متمایز ردائل و فضائل اخلاقی را آورده است.

نویسنده اگرچه طبیبی حاذق بوده، در زمینه تعالی نفس هم راهی روشن را برای مخاطب ارائه کرده است.

- آنچه حجم کثیری از نسخه را به خود اختصاص داده است، مسئله اخلاق و تهذیب نفس است. نویسنده تلاش فراوانی کرده تا با انتخاب نحوه ارائه کلام مکتوب مؤثر خواننده را مُجاب کند تا با علاقه فراوان به مطالعه و به کارگیری مطالب ارائه شده بپردازد.

- بهره گیری از زمان برای ارائه کلام مؤثر بسیار مهم است، بطوری که انتخاب زمان مناسب برای پرداختن به یک موضوع و ارزیابی آن به واسطه ابزار مختلف مورد توجه خواننده است. در این مورد شفایابی در ارائه مطالب در زمان مناسب تبحر فراوانی داشته است.

- انتخاب موضوع و بهره‌گیری از ابزاری چون؛ آیات، احادیث، روایات، اشعار، ارسال المثل برای اعتبار دادن به مسئله مورد بحث و در انتها استفاده از حکایت‌های آموزنده در فواصل زمانی مناسب و متنوع، چیرگی نویسنده را بر مسائلی همچون گذر زمان و فراموشی نشان می‌دهد. گاهی حالت پند و اندرز این نوشته به کلیله و دمنه و گاهی هم به گلستان شباهت دارد. در مباحث عرفانی، نویسنده تا حدودی از شیوه بیان مولانا در مکتوبات بهره برده است، مثلاً در طرح مباحث عرفانی بهره‌گیری از اشعار و اقوال و حکایات نقطه مشترک است.

- بررسی‌های صورت گرفته حاکی از این مطلب است که حُسن و قبح اخلاقی برای نویسنده حائز اهمیت است و وی شناخت کاملی از نقاط ضعف و قوت آدمی دارد لذا سعی وافری از خود نشان داده است تا شاخص‌های حُسن خلق و قبح آن را نشان می‌دهد و مرز بندی‌های بدیعی برای آشنا کردن انسان ارائه کرده است. آنچه بر ارزش کار اخلاق نویسنده افزوده، استفاده از گفته‌های اولیاء و معصوم است و این نقطه قوت کار اوست چرا که تصدیق گفته‌های خود را با منابعی تأیید میکند که هم حُسن رابطه معنوی ایجاد میکند، هم ارزش علمی نسخه را می‌افزاید و این رابطه معنوی به خواننده می‌آموزد تا هرکسی که در این مسیر گام برمی‌دارد در موقع اضطراب فکر و اندیشه به آنها متوسل شود.

- در کنار ارزش تعالی بخشی نسخه توجه به برخی رویداد‌های اتفاقات زمان و ریشه‌یابی آنها حائز اهمیت است. از جمله؛ رویدادهایی که در دستگاه حکومتی بعضی حکمرانان واقع می‌شود و با یکی از اخلاق حُسن یا قبح حاکمان مرتبط است، که هدف نویسنده ذکر احوال بعضی حاکمان ایجاد رابطه مستقیم میان اخلاق و حکومت داری است. در این راستا نویسنده تمام خصایل حاکمان را از قرآن کریم، احادیث و روایات معصوم استخراج و استشهاد کرده است. علاوه بر این خصوصیات درون متنی توجه به برخی خرق عادات و ویژگی‌های عرفانی اشخاص بر تنوع و جذابیت بعضی حکایات افزوده است. نویسنده به حُسن معاشرت میان افراد توجه داشته است و خصلت‌هایی را برشمرده است که ثمره آن ایجاد رابطه نیکو میان حاکمان و مردم است.

ارزیابی کلی نسخه:

- نسخه خطی «اخلاق شاهی» جزء متون روایی است که خط مشی آن همچون گلستان سعدی موعظه، حکمت، اخلاق، علم، و عمل است. نسخه مذکور از نظر شیوه نویسنده دارای ویژگی‌های ارزنده‌ای است که توانایی نویسنده آن را در حوزه بلاغت و دستور نشان می‌دهد. سبک نویسنده و شیوه بیان وی نیز از ظرافت خاصی برخوردار است.

- «اخلاق شفایی» علاوه بر ارزشهای ادبی و شیوه‌های نویسنده از نظر تاریخی و دینی هم حائز اهمیت است. ذکر نام اشخاص، مکانها، و ویژگی حاکمان و برخی حکومتها و نوع مذهب و گرایش دینی و مکتبی افراد مجموعه اطلاعاتی است که با مطالعه این نسخه به دست می‌آید.

- توجه نویسندگان به مسائل عرفانی نیز می‌تواند این اثر را در کنار دیگر آثار عرفانی قرار دهد بطوری که نسخه مذکور از جهت مراحل مختلف سیر و سلوک همچون مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه تشابهاتی دارد و مانند این اثر مراتب مختلفی چون توکل، رضا، فقر و قنا و غیره را با همان شیوه رایج توضیح و تفصیل میدهد.

ارزشهای ادبی:

- «اخلاق شاهی» نثری است به نظم آمیخته شده، که در اکثر مواقع جز دیباچه کتاب که نثری بینابین دارد از نثری سهل و ممتنع برخوردار است. علی‌رغم به کارگیری نکات بلاغی، شفایی از شیوه ای روان در نویسندگی استفاده کرده است که نشان دهنده تسلط وی بر متون ادبی و بلاغی است.

- شیوه نگارش متن حاکی از این مسئله است که شفایی بر قواعد دستوری مرسوم و شیوه استفاده از لغات تسلط کافی داشته است.

- از جمله فنون بلاغی مورد استفاده در این اثر سجع، مجاز، تضاد، جناس، ترصیع، تضمین المزدوج، مراعات النظیر، تشبیه، کنایه، استعاره، و ارسال المثل است.

تعدد استفاده از این فنون توسط نویسندگان نشان دهنده میزان علاقه وی به متون نظم و مطالعه دیوانهای منظوم شاعران بزرگ به ویژه مطالعه بوستان سعدی است.

از میان فنون ذکر شده کاربرد سجع، تضاد و جناس بیش از موارد دیگر است که البته گاهی متن را به اطناب کشانده اما این دراز نویسی متن را دچار پیچیدگی نمی‌کند.

از جمله نکات بلاغی که زیاد مورد استفاده نویسندگان قرار گرفته است بکارگیری اغراق در بیان داستان‌ها و تصویر کردن چهره اشخاص و مکانها است.

- شفایی در شیوه نگارش هم از روشهای مرسوم در متون نثر زمان خود بهره برده است.

از جمله کاربردهای مرسوم رسم الخط آن زمان استفاده از «ک» به جای «گ» است که در این نسخه کاملاً اعمال شده است به جز این یا اتصال حروف اضافه به کلمه بعد از خود یا حذف «الف» از «است» موارد دیگری است که مورد توجه نویسندگان بوده است.

عدم رعایت نقطه گذاری هم از جمله شیوه های رایج زمان بوده است، که نشان دهنده خصوصیات نوشته های قرن دهم و یازدهم است.

- توجه به ویژگی های دستوری و رعایت آنها در حین نوشتن نسخه نشان از تبحر نویسندگان در امر نوشتن است.

از جمله کاربردهای رایج دستوری جمع مکسر و تتابع اضافات است که به طولانی شدن جملات منجر شده است. رعایت نکاتی چون تطابق صفت و موصوف، حذف شناسه فعل به قرینه و جابجایی ارکان جمله، از جمله ویژگی های دستوری هستند که کاتب نسخه با اعمال این نکات خود را ملزم

بطور کلی « اخلاق شاهی » به دلیل بهره‌گیری کاتب از دانش بلاغت و توجه به رسم الخط و همچنین دانش دستوری کافی می‌تواند نمونه‌ای یک منبع کامل برای موارد فوق باشد و این مسئله را یادآوری میکند که شرط یک نوشته خوب احاطه نویسنده به کلام و توسعه آن در بکارگیری معانی، بیان و دستور است.

ساختار فنی کتاب:

کتاب در دو مقاله، که مقاله اول شامل ۲۱ باب و باب سوم آن شامل ده خصلت است، و مقاله دوم شامل ۱۷ باب به رشته تحریر درآمده است.

- مطالب کتاب مزین است به اشعار فارسی و حکایات متعدّد و البته تعداد محدودی شعر عربی، ذکر آیات و احادیث نبوی علی‌الخصوص احادیث مربوط به پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین علی (ع).

- تحلیل و نقد حکایات متن:

متن کتاب شامل ۹۱ حکایت است، که این حکایات با موضوع اخلاق انسانی است، و تعداد حکایاتی که در هر باب آمده به صورت ذیل است:

۱ حکایت	۲ حکایت	۳ حکایت	۴ حکایت
در فضیلت علم	در توکل	در سخاوت	در غیبت
در عفت	در اخلاص	در رضا	
در شجاعت	در صبر	در تواضع	
در صدق	در شکر	در حیاء	
در وفا و حُسن عهد	در قناعت	در حُسن خلق	
در علوّ همت	در ادب	در رفق و مدارا	
در امانت	در کتمان اسرار	در جهل	
در شهوت	در نطق و سکوت	در حقد و حسد	
در ریا	در بخل	در عجب و تکبر	
در مکر و حيله	در حبّ دنیا	در کذب و نفاق	
در طمع	در حرص و آز		
در تعجیل	در ظلم		
در کفران نعمت			
در کاهلی			

نتیجه گیری

- نام اصلی نویسنده سید مظفر حسنی طبیب کاشانی متخلص به شفایی است که در دیباچه «اخلاق شفایی» نویسنده خود را به همین نام معرفی میکند.
- شفایی هم عصر حکومت شاه طهماسب صفوی و موطن وی شهر کاشان بوده و در آنجا طبابت میکرده است.
- هیچ اطلاعی از تاریخ به دنیا آمدن شفایی در دست نیست و در هیچ تذکره ای به آن اشاره نشده است.
- از شفایی کاشانی پنج اثر در دست است: خلاصه شفایی فی الطب، الرساله باهیه، قرابادین شفایی، دیوان شعر (غزل) مظفر کاشانی و رساله اخلاق شاهی.
- اخلاق شفایی به تقلید از گلستان سعدی با محتوای تعلیمی از جمله کتب قابل توجه در عصر شاه طهماسب صفوی است که به شیوه متداول زمان نوشته شده است. درباره نام کتاب اختلاف نظرهایی وجود دارد که خود سید مظفر حسنی کاشانی در دیباچه رساله خود این اثر را با عنوان اخلاق شفایی (شاهی) معرفی کرده است.
- در محورهای سه گانه زبانی، ادبی و محتوایی اثر حاضر نسبت به کتب مشابه نه تنها کاستی نداشت بلکه در مواردی بویژه در ذکر شواهد آیات و احادیث و حکایات ارزشمند و تأثیر گذار با رعایت تأثیر در احوال مخاطب، اثری ابتکاری و بدیع عرضه کرده است. تحلیل سبک نثر این اثر در زمره مقلدان سعدی خود از حلقه های تکمیل کننده این سبک از نثر فارسی در عهد صفویه است؛ که به شیوه تحلیل محتوا واکاوی سبک شناسانه شد و به علاقمندان عرضه گردید.

فهرست منابع

- ۱- اخلاق شفایی، حسنی کاشانی، مظفر بن محمد، تصحیح نان آور، پشت دار، تهران: انتشارات همای دانش، ۱۳۹۳
- ۲- بزرگان کاشان، عاطفی، افشین، قم: انتشارات افق فردا، جلد اول، ۱۳۸۱
- ۳- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول، جلد پنجم، بخش سوم، ۱۳۷۰
- ۴- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، نفیسی، سعید، تهران: کتابخانه فروغی، ۱۳۶۳
- ۵- تحفه سامی، صفوی، سام میرزا، تصحیح وحید دستگردی، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۵۲
- ۶- تذکره روز روشن، صبا، محمد مظفر حسین، تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی، ۱۳۴۳

- ۷- خلاصه‌ الاشعار و زبدة الافکار، حسینی کاشانی، تقی الدین، عکس نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی در کتابخانه شخصی حسن عاطفی
- ۸- خلاصه شفایی فی الطب، حسنی کاشانی، مظفر بن محمد، چاپ عکس از روی نسخه خطی ۱۰۶۴ق موجود در کتابخانه مؤسسه احیاء طب طبیعی قم، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران. ۱۳۸۴
- ۹- الذریعه الی تصانیف الشیعه، طهرانی، شیخ آقابزرگ، بکوشش علینقی منزوی، تهران: کتابخانه اسلامی، جلد ۱۷، ۱۱، ۹، ۸، ۴، ۳، ۱۳۸۷ق.
- ۱۰- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، تهران: نشر میترا، چاپ دوم، ۱۳۹۲
- ۱۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، دانش پژوه، محمد تقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹
- ۱۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی حجتی، محمد باقر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵
- ۱۳- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، حسینی اشکوری، سید احمد، قم: چاپ خیام، ۱۳۵۷
- ۱۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، صدرایی خویی، علی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶
- ۱۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، افشار، ایرج و دیگران، تهران، ۱۳۵۲
- ۱۶- فهرست واره کتابهای فارسی، منزوی، احمد، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ششم، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۱۷- مجله پژوهش و حوزه، مقاله پزشکی در تمدن اسلامی، شماره ۱۸، ۱۷، شریف حسینی، مریم، تهران: ۱۳۸۳
- ۱۸- منتخب اللطایف، ایمان، رحم علی خان، به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی و سید امیر حسین عابدی، تهران: چاپ تابان، ۱۳۴۹
- ۱۹- نظریه ادبیات، ولک، رنه- وارن، آوستن، ترجمه ضیاء موحد/ پرویز مهاجر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۳

۱- <http://www.aghazorg.ir/search.aspx>